

حمایت کیفری از نظام پولی و ارزی در نظام قانونگذاری ایران

سید حسین حسینی^۱

دانشیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

<https://doi.org/10.22067/mfe.2025.96282.1635>

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

ثبات و سلامت نظام پولی و ارزی از ارکان بنیادین امنیت اقتصادی کشور به شمار می‌رود و هرگونه اختلال در آن می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای بر اعتماد عمومی و نظم مالی بر جای گذارد. از این رو، بررسی چگونگی حمایت کیفری از این نظام و تحلیل مراتب واکنش قانون‌گذار در برابر رفتارهای مخلّ آن، ضرورتی نظری و عملی دارد. پرسش اصلی این پژوهش آن است که از نظام پولی در حقوق ایران چه گونه حمایت کیفری شده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از قوانین و مقررات مختلف، سطوح مختلف واکنش کیفری نسبت به جرایم پولی و ارزی را بررسی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که حمایت کیفری از نظام پولی در حقوق ایران در سه سطح مقدماتی، بازدارنده و مشدد سامان یافته است؛ در سطح مقدماتی، هدف، اصلاح تخلفات خرد و انتظام بخشی بازار از طریق مجازات‌های مالی و حبس‌های کوتاه‌مدت است؛ در سطح بازدارنده، تمرکز بر صیانت از اعتبار پول ملی و پیشگیری از جعل و ترویج ابزارهای پرداخت قرار دارد؛ و در سطح مشدد، رفتارهای کلان و سازمان‌یافته‌ای که موجب تهدید ثبات یا امنیت اقتصادی می‌شوند، مشمول مجازات‌های سنگین در چارچوب قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور هستند. برآیند پژوهش نشان می‌دهد که منطق تدریجی پاسخ کیفری در این حوزه، بر اساس قصد اخلاص و مقیاس اثر اقتصادی رفتار تنظیم شده است و بازتعریف دقیق معیارهای اخلاص و تقویت اقتدار نهاد ناظر پولی، می‌تواند کارآمدی سیاست کیفری در حفظ ثبات پولی را افزایش دهد.

کلیدواژه: حمایت کیفری؛ ثبات مالی؛ نظام ارزی؛ نظام پولی؛ حقوق ایران.

^۱ نویسنده مسؤول: shosseini@um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۳

صفحات: ۲۹-۱

مقدمه

در ساختار کلان نظام اجتماعی، حقوق به منزله‌ی نظامی هنجاری و تنظیم‌کننده، نقش بنیادین در سامان‌دهی روابط میان اجزای گوناگون نظام اجتماعی ایفا می‌کند. جامعه از زیرنظام‌هایی چون سیاست، فرهنگ، دین، اقتصاد و حقوق تشکیل شده است که هر یک برای تحقق نظم و ثبات کلان، نیازمند تعامل و توازن با دیگری‌اند. در این میان، نظام اقتصادی از مهم‌ترین زیرنظام‌ها به‌شمار می‌رود؛ زیرا جریان ثروت، سرمایه و اعتماد اجتماعی را در بطن خود شکل می‌دهد و هرگونه اختلال در آن می‌تواند پیامدهایی فراتر از حوزه‌ی اقتصاد بر جای گذارد و بر امنیت و انسجام اجتماعی اثر گذارد. در درون نظام اقتصادی، نظام مالی جایگاهی ویژه دارد؛ زیرا وظیفه‌ی اصلی آن تنظیم جریان پول، سرمایه و اعتبار در جامعه است. نظام مالی از طریق شبکه‌ی بانک‌ها، مؤسسات اعتباری، بازار سرمایه و نهادهای نظارتی، گردش منابع و تعادل میان تولید و مصرف را ممکن می‌سازد (Manzour & Zadeh Yazdi, 2020, p. 164). با توجه به اهمیت این کارکردها، حفظ سلامت و ثبات نظام مالی از اولویت‌های اصلی سیاست‌گذاری عمومی و حقوقی در هر کشور به‌شمار می‌رود. سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری در سطح ملی ابزارهایی برای حمایت از نظام مالی فراهم می‌سازند. این حمایت می‌تواند در قالب مقررات تنظیمی، نظارتی، مالیاتی یا کیفری تحقق یابد؛ اما در میان آن‌ها، حمایت کیفری برجسته‌ترین و قاطع‌ترین شکل مداخله‌ی حقوقی است، زیرا ضمانت اجرای کیفری نه تنها با هدف پیشگیری و بازدارندگی، بلکه به مثابه نشانه‌ی اراده‌ی حاکمیت برای صیانت از نظم عمومی مالی و اعتماد شهروندان به نظام اقتصادی عمل می‌کند.

بر همین مبنا، بررسی سازوکارهای حمایت کیفری از نظام مالی، به‌ویژه در حوزه‌ی نظام پولی و ارزی، از اهمیت بالایی برخوردار است؛ چرا که پول و ارز شریان حیاتی اقتصاد ملی‌اند و اختلال در آن‌ها به سرعت به بی‌ثباتی اقتصادی و اجتماعی منجر می‌شود. پژوهش حاضر با تمرکز بر نظام پولی و ارزی و تحلیل چارچوب تقنینی و مراتب پاسخ کیفری در حقوق ایران، می‌کوشد حدود، سطوح و منطق این حمایت را آشکار سازد. پول و ارز در نظام‌های اقتصادی معاصر، نه تنها ابزار مبادله و سنجش ارزش، بلکه رکن بنیادین ثبات مالی، اعتماد عمومی و امنیت اقتصادی محسوب می‌شوند (Motahhari Nejad & Nasrollahi, 2022, p. 97). هرگونه اختلال در گردش پولی یا ارزی می‌تواند پیامدهایی گسترده در حوزه‌های تولید، سرمایه‌گذاری و سیاست عمومی بر جای گذارد. از این‌رو، صیانت از نظم پولی و ارزی صرفاً وظیفه‌ای اقتصادی نیست، بلکه به سطحی حقوقی و کیفری ارتقا یافته است تا از طریق ضمانت‌اجراهای قانونی، ثبات و اعتماد در بازار پولی حفظ شود.

در نظام حقوقی ایران نیز، اهمیت نظم پولی و ارزی از دیرباز مورد توجه قانون‌گذار بوده است. مجموعه‌ای از قوانین مانند قانون پولی و بانکی کشور (۱۳۵۱)، قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، قانون مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ و نهایتاً قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴۰۲، در جهت صیانت از پول ملی، مقابله با جعل، ترویج و قاچاق ارز و حفظ ثبات مالی کشور تدوین شده‌اند. با این حال، پراکندگی مقررات و تفاوت در منطق پاسخ کیفی نسبت به جرایم پولی و ارزی، ضرورت تحلیل نظام‌مند این حوزه را دوچندان می‌سازد. مسئله اصلی این پژوهش آن است که در نظام کیفی ایران، چگونه از نظام پولی و نظام ارزی حمایت کیفی صورت می‌گیرد. هدف آن، شناسایی سطوح پاسخ کیفی از تخلفات خرد تا جرایم کلان و تحلیل تمایز تقنینی میان حمایت از پول ملی به عنوان نماد اعتماد عمومی و حمایت از نظام ارزی به عنوان بُعدی از امنیت اقتصادی است. اهمیت این پژوهش در آن است که می‌کوشد تصویری منسجم از حمایت کیفی ایران در نظام پولی و ارزی ارائه دهد و از خلال بررسی قوانین کیفی و مالی، نسبت میان تنظیم‌گری اقتصادی و واکنش کیفی را روشن سازد. در شرایطی که نوسانات ارزی و تهدیدهای مالی از چالش‌های پایدار اقتصاد ایران به شمار می‌رود، تبیین مراتب و حدود حمایت کیفی از نظم پولی می‌تواند به تقویت کارآمدی نظارت پولی و ارتقای پیش‌بینی‌پذیری نظام کیفی یاری رساند. این پژوهش با تمرکز بر نظام حقوق کیفی ایران و در بازه‌ی زمانی قوانین مصوب ۱۳۶۹ تا ۱۴۰۲ انجام شده است.

روش‌شناسی

این پژوهش از نوع مطالعات توصیفی - تحلیلی است و بر مبنای روش تحقیق کتابخانه‌ای انجام شده است. داده‌های پژوهش از طریق مطالعه و تحلیل اسناد قانونی، مقررات کیفی و اقتصادی و آثار دکترا حقوقی گردآوری شده‌اند. روش تحلیل داده‌ها، استنباط حقوقی و تحلیل نظام‌مند مواد قانونی مرتبط با نظام پولی و ارزی در حقوق کیفی ایران است. در این راستا، با مقایسه‌ی قوانین کلیدی از جمله قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات)، قانون مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی کشور، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و قانون بانک مرکزی مصوب ۱۴۰۲، سطوح و مراتب حمایت کیفی مورد بررسی قرار گرفته است. دامنه‌ی زمانی پژوهش، مصوبات و اصلاحات قانونی از سال ۱۳۶۹ تا ۱۴۰۲ را دربرمی‌گیرد.

۱ - مبانی نظری و چارچوب حقوقی نظام پولی و ارزی

۱-۱- ماهیت و ساختار نظام پولی و ارزی در ایران

پیش از بررسی ابعاد کیفی حمایت از نظام پولی و ارزی، لازم است بنیان‌های مفهومی و نهادی این دو نظام روشن شود؛ زیرا فهم دقیق از چیستی و کارکرد نظام پولی و ارزی نه تنها در تحلیل اقتصادی اهمیت

دارد، بلکه مبنای تعیین قلمرو و منطق مداخله کیفری قانون‌گذار نیز به‌شمار می‌رود. در واقع، شناخت ماهیت و ساختار نظام پولی، پیش‌شرط طراحی قواعد حقوقی و نظارتی کارآمد است. از سوی دیگر، تمایز میان نظام‌های مبتنی بر پول کالایی و نظام‌های اعتباری یا اسکناسی (Jouni, 2024, p. 5). نشان می‌دهد که برداشت از ماهیت پول تأثیری مستقیم بر نحوه سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری دارد. در نظام اعتباری که خلق پول بانکی و کنترل نقدینگی اهمیت محوری دارد، نظارت دقیق و تنظیم مستمر ضرورت می‌یابد؛ در حالی که در نظام کالایی، پشتوانه مادی و ارزش ذاتی نقش اصلی را ایفا می‌کند.

از منظر اقتصادی، نظام پولی مجموعه‌ای نهادی و عملیاتی است که فرآیند خلق، انتقال و تسویه پول را در چارچوب اقتصاد ملی سازمان‌دهی می‌کند. به بیان دیگر، این نظام شبکه‌ای از قواعد، سازوکارها و نهادهای مرتبط است که چگونگی ایجاد پول توسط بانک مرکزی و شبکه بانکی، گردش پرداخت‌ها و کنترل نوسانات نقدینگی را از طریق ابزارهای سیاست پولی تعیین می‌نماید. این برداشت کارکردی از نظام پولی بر آن است که پول صرفاً وسیله مبادله نیست، بلکه رکن بنیادین ثبات مالی و سلامت نظام بانکی به شمار می‌رود (Eskandari-Pasyana, Hajipour, & Alavi-Hashtjin, 2024, p. 3).

در کنار این بُعد اقتصادی، نظام پولی در چارچوب حقوقی نیز تعریف و تنظیم شده است. در معنای حقوقی مضیق، نظام پولی به مجموعه ابزارهای پرداخت قانونی شامل اسکناس و مسکوکات رایج داخلی اطلاق می‌شود که طبق مواد ۲ و ۳ «قانون پولی و بانکی کشور» مصوب ۱۳۵۱ دارای قوه ابراء قانونی‌اند و ایفای تعهدات اصولاً باید با آن‌ها انجام پذیرد. تنها پولی که بر اساس قوانین و مقررات و با مجوز بانک مرکزی منتشر شود وجه قانونی پرداخت محسوب می‌گردد و استفاده از هر ابزار دیگر فاقد اعتبار است. بر همین اساس، این قانون بنیان حقوقی نظام پولی ایران را تشکیل می‌دهد و در ماده ۱۱، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران را تنظیم‌کننده نظام پولی و اعتباری کشور معرفی می‌کند؛ نهادی که وظایفی همچون انتشار اسکناس و مسکوک، نظارت بر بانک‌ها و تنظیم مقررات معاملات ارزی با تصویب شورای پول و اعتبار را بر عهده دارد (Elsan & Negintaj, 2022, p. 65). با تصویب قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۲، این چارچوب حقوقی دگرگون گردید و اختیارات تنظیمی و نظارتی بانک مرکزی در حوزه پولی و ارزی گسترش یافت. ماده ۴ قانون اخیر به بانک مرکزی اجازه می‌دهد برای تحقق اهداف سیاست پولی و ارزی در بازار ارز مداخله کند و از ابزارهای متنوع سیاستی بهره گیرد. این تحولات، جایگاه بانک مرکزی را به‌عنوان گره تنظیم‌گر نظام پولی و ارزی تقویت کرده و نقش آن را در صیانت از ثبات مالی کشور ارتقا بخشیده است.

با استقرار این چارچوب نهادی، رابطه‌ی میان نظام پولی و نظام ارزی در ساختار اقتصادی ایران روشن‌تر می‌شود. نظام پولی و نظام ارزی در ایران دو حوزه به هم پیوسته‌اند که محور تنظیم آنها بانک مرکزی است. با این تفاوت که نظام پولی به حفظ ارزش پول ملی، ثبات قیمتی و انتظام نظام پرداخت می‌پردازد، حال آنکه نظام ارزی ناظر بر مدیریت ارز خارجی، تراز پرداخت‌ها و رژیم نرخ ارز است (Islamic Consultative Assembly Research Center, 2021). بر پایه ماده ۴ قانون بانک مرکزی (۱۴۰۲)، این نهاد مسئول حفظ ارزش پول ملی، ثبات قیمت‌ها و انتظام بازار ارز است؛ تصریحی که پیوند نهادی دو حوزه را تثبیت می‌کند. با وجود تفاوت در اهداف عملیاتی، کارکرد مشترک آنها در تأمین ثبات مالی آشکار است: در بعد پولی، هدف کنترل نقدینگی و سلامت بانکی است، و در بعد ارزی، مدیریت نرخ ارز و تعادل تراز پرداخت‌ها اهمیت دارد.

در سطح ابزارها نیز، نظام پولی از نرخ بهره، عملیات بازار باز و قواعد احتیاطی برای حفظ ارزش پول و روانی نظام پرداخت استفاده می‌کند، در حالی که نظام ارزی از مداخله ارزی و تعیین رژیم نرخ ارز (ثابت، شناور مدیریت‌شده یا چندنرخه) بهره می‌گیرد. تجربه ایران نشان داده است که تصمیمات پولی می‌تواند بر تحولات ارزی اثرگذار باشد؛ از این رو هماهنگی نهادی میان این دو حوزه برای پاسخ به اختلالات بازار ارز ضرورت دارد (Baghjeri, Hosseinneshad, & Najjarzadeh, 2014).

برخی یافته‌های تجربی و مطالعات کمی نیز این پیوند نظری را تأیید می‌کنند. مطالعات کمی جدید بر اساس مدل‌های GMM^1 و $DSGE^2$ نشان داده‌اند که نوسانات ارزی تأثیر مستقیم بر کارایی سیاست‌های پولی دارند (Shamsabadi, Haji & Asghari, Haghighat, & Zare, 2019) (Fakhrhosseini, 2024). هرچه بی‌ثباتی ارزی بیشتر باشد، تأثیر سیاست‌های پولی در مهار تورم کمتر می‌شود؛ در مقابل، انضباط پولی و پایداری نرخ بهره می‌تواند فشار ارزی را کاهش دهد. در اقتصاد نفتی ایران، که وابسته به درآمدهای ارزی ناشی از صادرات انرژی است، این پیوند میان ثبات ارزی و کارایی سیاست پولی اهمیتی مضاعف دارد. طبق ماده ۴ قانون بانک مرکزی (۱۴۰۲)، حفظ ارزش پول ملی و

¹ مدل GMM: روش اقتصادسنجی مبتنی بر شرایط لحظه‌ای برای برآورد پارامترها که توسط (Hansen, 1982) ارائه شد و در مدل‌های پویا و داده‌های پانلی کاربرد دارد.

² مدل DSGE: چارچوب نظری مبتنی بر بهینه‌سازی پویا و تعادل عمومی برای تحلیل سیاست‌های پولی در حضور شوک‌های تصادفی (Smets & Wouters, 2003).

انتظام بازار ارز از وظایف اصلی این نهاد است؛ بنابراین، ثبات ارزی شرط لازم برای موفقیت سیاست پولی محسوب می‌شود.

در سطح عملی نیز، تأثیر متقابل سیاست‌های پولی و ارزی در ساختار چندنرخ ارز به‌وضوح مشاهده می‌شود. یکی از جلوه‌های مهم این ارتباط، وجود رژیم چندنرخ ارز در ایران است. فاصله میان نرخ‌های رسمی، ترجیحی و آزاد نه تنها ارزیابی اثر نرخ ارز بر قیمت‌های داخلی را دشوار می‌سازد، بلکه انگیزه‌های رانت جویانه و سفته‌بازی را نیز افزایش می‌دهد. بررسی‌های آماری اخیر نشان می‌دهد که اثر قیمتی ارز در هر زیربازار متفاوت است (Zamanzadeh, 2024, pp. 184–186). همچنین گزارش «درآمدی بر راهبرد ارزی کشور» مرکز پژوهش‌های مجلس تأکید می‌کند که تثبیت نرخ ارز بدون کنترل تورم ناپایدار است؛ به بیان دیگر، «تا تورم کنترل نشود، تثبیت نرخ ارز پایدار نخواهد بود» (Islamic Consultative Assembly Research Center, 2021). در نتیجه، مداخله ارزی بدون انضباط پولی نه تنها ثبات پول ملی و رقابت‌پذیری تولید را تضعیف می‌کند، بلکه اعتماد عمومی به ارزش پول را نیز در معرض تهدید قرار می‌دهد.

می‌توان گفت که نظام پولی و ارزی در ایران شبکه‌ای به‌هم‌پیوسته از سازوکارهای اقتصادی و قواعد حقوقی است که ثبات مالی و اعتماد عمومی را تضمین می‌کند. شناخت دقیق از ساختار و کارکرد این نظام‌ها نه تنها برای طراحی سیاست‌های پولی و ارزی کارآمد ضروری است، بلکه پیش‌شرط تعیین حدود و مبانی حمایت کیفری از آن‌ها نیز به‌شمار می‌رود؛ زیرا هرگونه اختلال در این نظم، به‌طور مستقیم امنیت اقتصادی و اعتبار پول ملی را تهدید می‌کند.

۲-۱- منطق و ضرورت مداخله کیفری در حمایت از ثبات پولی

یکی از مؤلفه‌های بنیادین ثبات اقتصادی، حفظ اعتماد عمومی به پول ملی و کارکرد باثبات نظام پرداخت است. از منظر حقوق کیفری اقتصادی، این اعتماد تنها از طریق تضمین کارکرد سالم و منظم نهادهای پولی و مالی تحقق می‌یابد. از این‌رو، پرسش از ضرورت مداخله کیفری در صیانت از ثبات پولی، به‌منزله‌ی بررسی مرزهای مشروعیت و کارایی دخالت کیفری در حوزه‌ای است که در نقطه‌ی تلاقی اقتصاد و حقوق قرار دارد. در اقتصادهای مدرن، پول تنها وسیله مبادله نیست، بلکه نهادی اعتباری-اجتماعی است که بر اعتماد عمومی، انسجام مالی و کارآمدی نظام پرداخت استوار است. هر اختلال پایدار در ایفاء تعهدات پرداختی اعتماد کنشگران اقتصادی را فرسوده و کارکرد نظام پرداخت و تسویه را مختل می‌کند. از این‌رو، ثبات پولی و بانکی صرفاً هدفی اقتصادی نیست، بلکه زیرساخت تحقق امنیت حقوقی، پیش‌بینی‌پذیری روابط مالی و انتظام معاملات روزمره به‌شمار می‌آید.

برای درک سازوکار تهدیدهای وارده بر ثبات پولی، باید بسترهای اقتصادی و نهادی بروز این اختلال‌ها مورد توجه قرار گیرد. در همین راستا، یکی از مهم‌ترین کانون‌های تهدید ثبات پولی، بازار ارز است (Bastanzad & Davoudi, 2016). فعالیت‌هایی مانند قاچاق ارز، مبادلات غیرمجاز و سفته‌بازی‌های برون‌سیستمی با ایجاد نوسان در قیمت‌های کلیدی و تضعیف سیگنال‌های سیاست پولی می‌توانند ثبات کلان اقتصادی را مختل سازند. به همین دلیل، ماده‌ی ۱۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز با پیش‌بینی ضبط ارز و جزای نقدی، در پی کاهش بازده انتظاری چنین رفتارهایی است. با این حال، گستره و پیچیدگی این تخلفات در مواردی فراتر از ظرفیت ابزارهای صرفاً نظارتی است و ضرورت مداخله‌ی کیفری هدفمند را در مواجهه با اختلال‌های ساختاری نمایان می‌سازد.

در چنین شرایطی، تبیین مبانی نظری مداخله‌ی کیفری اهمیت می‌یابد؛ زیرا باید مشخص شود که چه زمانی و بر اساس چه منطقی توسل به ابزار کیفری موجه است. در پی این ضرورت، نظریه‌ی حقوق کیفری اقتصادی بر این باور است که اتکا به ضمانت‌اجراهای اداری یا مدنی – مانند جریمه‌های انتظامی یا مسئولیت مدنی – برای مهار رفتارهایی با ماهیت سوداگرانه، پریسک و برون‌سیستمی کفایت نمی‌کند (Askari, Fini, & Shahidi, 2019, p. 43). تجربه‌ی جرایمی چون پول‌شویی (قانون ۱۳۸۶ و اصلاحی ۱۳۹۷)، اختلال در نظام اقتصادی (قانون ۱۳۶۹) و قاچاق ارز (قانون ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۴۰۰) نشان داده است که کارآمدی نظام کیفری در گروه عنصر بنیادین است: جرم‌انگاری دقیق، تناسب در واکنش و هماهنگی نهادی میان مراجع نظارتی و قضایی. در فقدان هر یک از این عناصر، هزینه‌ی انتظاری ارتکاب جرم از منافع آن کمتر خواهد بود و در نتیجه، رفتارهای مخرب تداوم یافته و پیامدهایی چون تضعیف اعتماد عمومی و تهدید ثبات مالی استمرار می‌یابد.

با تکیه بر همین مبانی، سیاست کیفری اقتصادی چارچوبی جامع برای طراحی واکنش‌های حقوقی و کیفری در برابر تهدیدهای اقتصادی ارائه می‌کند. در چارچوب سیاست جنایی اقتصادی، مجموعه‌ای از تدابیر تقنینی، قضایی و اجرایی برای پیشگیری، کشف و مقابله با رفتارهایی طراحی می‌شود که نظم و ثبات اقتصادی را تهدید می‌کنند. در این میان، حمایت کیفری از نظام پولی جایگاهی بنیادین دارد؛ زیرا پول نه صرفاً وسیله‌ی مبادله، بلکه ستون اعتماد عمومی به کارکرد دولت و پشتوانه‌ی وثوق حقوقی جامعه است. هرگونه اختلال در گردش پول، کاهش ارزش آن یا گسترش فعالیت‌های غیرقانونی مرتبط با ارز و اسکناس، به‌طور مستقیم می‌تواند امنیت اقتصادی را متزلزل و نظم عمومی را مختل سازد. از این منظر، شناسایی مصادیق اصلی جرم‌انگاری در حوزه‌ی پولی از اهمیت برخوردار است. در تداوم این منطق،

جرم‌انگاری رفتارهایی مانند جعل اسکناس و مسکوک (ماده ۵۱۸ قانون مجازات اسلامی)، ضرب سکه‌ی قلب، قاچاق ارز و اخلاف عمده در نظام پولی، ابزار اصلی سیاست کیفری اقتصادی در حمایت از ثبات پولی محسوب می‌شود. چنانچه این رفتارها صرفاً به‌عنوان تخلف مالی یا خسارت خصوصی تلقی شوند، واکنش‌های اداری یا مدنی ممکن است کافی باشند؛ اما به دلیل ماهیت فراگیر و سیستمی این جرایم، پاسخ‌های غیرکیفری به‌تنهایی کارایی ندارند. در چنین شرایطی، زمانی که هزینه‌ی انتظاری جرم کمتر از منافع آن باشد، پیامدهایی چون تضعیف اعتماد عمومی و بی‌ثباتی مالی استمرار می‌یابد (Shahparast, 2025, p. 1069).

با وجود این، سیاست جنایی اقتصادی را نمی‌توان صرفاً در قالب پاسخ‌های کیفری خلاصه کرد؛ بلکه باید آن را مجموعه‌ای از تدابیر هماهنگ دانست. سیاست جنایی اقتصادی صرفاً به معنای سرکوب کیفری نیست، بلکه منظومه‌ای هماهنگ از تدابیر کیفری، نظارتی و تنظیمی است که هدف آن ایجاد توازن میان الزامات ثبات اقتصادی و ضرورت‌های عدالت کیفری است. در این چارچوب، مداخله‌ی کیفری زمانی موجه و قابل دفاع است که ابزارهای نظارتی و تنظیمی – از جمله مقررات و سیاست‌های بانک مرکزی – کارکرد بازدارندگی مؤثری نداشته باشند. در چنین شرایطی، پاسخ کیفری به‌عنوان آخرین ابزار وارد عمل می‌شود تا هزینه‌ی ارتکاب رفتارهای مخرب از منافع آن فراتر رود (Gholami, 2013, p. 60). وجود این سازوکار مکمل در کنار سیاست‌های پولی و مالی، حلقه‌ی منسجم سیاست جنایی اقتصادی را شکل می‌دهد و پیوندی پایدار میان نظم پولی، ثبات مالی و امنیت اقتصادی برقرار می‌سازد.

کاربست این چارچوب در حقوق ایران نشان می‌دهد که حمایت کیفری از ثبات پولی واجد ویژگی‌های خاص و متمایز است. در حقوق ایران، حمایت کیفری از نظام پولی بازتابی از تلاقی دو بُعد اقتصادی و امنیتی است. از یک سو، هدف آن صیانت از اعتماد عمومی به پول ملی، سلامت نظام پرداخت و پشتیبانی از سیاست‌های پولی دولت است؛ و از سوی دیگر، به‌دلیل حساسیت نسبت به پدیده‌هایی چون قاچاق ارز، اخلاف عمده و فعالیت‌های برون‌سیستمی، این حمایت گاه ماهیتی امنیتی می‌یابد (Shekouh, 2013, p. 62). مطابق «قانون اخلاف‌گران در نظام اقتصادی کشور»، هرگاه جرم واجد شرایطی مانند قصد ضربه به نظام یا افساد فی‌الارض باشد، مجازات اعدام پیش‌بینی شده است. بنابراین، این حوزه بیش از آنکه اقتصادی صرف باشد، واجد بعد امنیتی است. از این منظر، پرسش بنیادینی مطرح می‌شود که آیا پاسخ‌های کیفری موجود با ماهیت اقتصادی این جرایم تناسب دارند، یا بیشتر بازتابی از منطق امنیتی در قالب حقوق کیفری اقتصادی‌اند؟

در مجموع می توان گفت که مداخله‌ی کیفری در حوزه‌ی پولی زمانی موجه است که در خدمت ثبات و اعتماد عمومی به نظام اقتصادی قرار گیرد، نه آنکه خود به عاملی برای امنیتی‌سازی روابط اقتصادی بدل شود. به بیان دیگر، سیاست کیفری در صیانت از ثبات پولی باید بر اصل تناسب، کارایی و هماهنگی نهادی استوار باشد تا بتواند میان اهداف اقتصادی و الزامات حقوقی تعادل پایدار برقرار کند.

۳-۱- چارچوب تقنینی و مقررات کیفری ناظر بر نظم پولی و ارزی

حمایت کیفری از نظام پولی در حقوق ایران بر مجموعه‌ای پراکنده اما مکمل از قوانین استوار است که هر یک بخشی از کارکرد انتظامی، بازدارنده یا امنیتی نظام پولی و ارزی را پوشش می‌دهند. این قوانین از حیث موضوع، شدت واکنش و مخاطب متفاوت‌اند، اما همگی در راستای صیانت از ارزش پول ملی، سلامت ابزارهای پرداخت و کنترل جریان‌های ارزی شکل گرفته‌اند. از این رو، در این قسمت با رویکردی نظام‌مند، مهم‌ترین مقررات کیفری مؤثر بر نظم پولی و ارزی شناسایی می‌شود. شایان ذکر است که افزون بر قوانین اصلی مورد بررسی در این تحقیق، مقررات کیفری دیگری نیز در نظام تقنینی ایران وجود دارد که هرچند محور تحلیل این پژوهش نیستند، اما به‌طور غیرمستقیم در صیانت از نظم پولی و اعتبار ابزارهای پرداخت نقش دارند؛ از جمله قانون تشدید مجازات جاعلان اسکناس، قانون صدور چک و قانون چک‌های تضمین‌شده، قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی مصوب ۱۳۸۳ و نیز برخی مقررات کیفری در قانون عملیات بانکی بدون ربا. این قوانین به‌عنوان حلقه‌های مکمل، بیانگر گستره‌ی تقنینی حمایت کیفری از نظم پولی و بانکی‌اند، هرچند تحلیل تفصیلی آن‌ها خارج از محور این مقاله است.

قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات: مواد ۵۱۸-۵۲۲، ۵۲۵-۵۲۶)

در حقوق کیفری ایران، به‌منظور صیانت از اعتبار پول ملی و سلامت گردش نقدینگی، مجموعه‌ای از مقررات در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۹۲ برای مقابله با جرایم مرتبط با مسکوکات و اسکناس وضع شده است. بر اساس ماده‌ی ۵۱۸، ساخت، ورود، خرید، فروش یا ترویج سکه‌ی قلب طلا و نقره جرم‌انگاری شده و برای مرتکب، حبس از یک تا ده سال مقرر گردیده است. ماده‌ی ۵۱۹ کاهش عمدی عیار یا وزن مسکوکات طلا یا نقره با قصد تقلب را با حبس از یک تا سه سال مجازات می‌کند و ماده‌ی ۵۲۰ همین حکم را نسبت به مسکوکات غیرفلزی تسری می‌دهد.

مطابق ماده‌ی ۵۲۱، در صورت توبه یا همکاری مؤثر مرتکب با مقامات ذی‌ربط، امکان تخفیف یا معافیت از مجازات پیش‌بینی شده است، و ماده‌ی ۵۲۲ نیز علاوه بر مجازات مقرر، ضبط اموال تحصیل‌شده از جرم را به نفع دولت الزامی می‌داند. در همین راستا، ماده‌ی ۵۲۵ جعل و استعمال اسکناس و اسناد بانکی را مشمول تعقیب کیفری قرار داده و ماده‌ی ۵۲۶ در صورت ارتکاب این جرایم با قصد اخلال در نظام پولی،

بانکی یا اقتصادی، مجازات را تا پنج تا بیست سال حبس افزایش داده است. از منظر مصلحت، جعل اسکناس و مسکوکات مستقیماً به مصلحت اعتماد عمومی نسبت به ابزار پرداخت قانونی و اعتبار پول ملی آسیب می‌زند؛ از این رو، قانون‌گذار این دسته از جرایم را شدیدتر از جعل اسناد عادی مجازات می‌کند (Rostami Ghazani & Hamidi, 2023, p. 156). بدین ترتیب، تشدید پیش‌بینی شده در ماده‌ی ۵۲۶ بیانگر آن است که هرگاه قصد اخلال در نظام پولی و اقتصادی احراز شود، جرم ماهیت سیستمی یافته و پاسخ کیفری متناسب با سطح خطر آن تشدید می‌شود. سیاست تخفیف و معافیت در ماده‌ی ۵۲۱ نیز از منظر حکمرانی کیفری، کارکردی دوگانه دارد: از یک سو، انگیزه‌ی همکاری و افشای شبکه‌های جعل را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر، به فروپاشی ساختارهای سازمان‌یافته این جرایم یاری می‌رساند.

قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور (ماده ۱ بند «الف» و ماده ۲)

قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور (ماده‌ی ۱ بند «الف» و ماده‌ی ۲) لایه‌ای امنیتی-اقتصادی به حمایت کیفری می‌افزاید و «اخلال در نظام پولی یا ارزی» را از طریق قاچاق عمده‌ی ارز، ضرب سکه‌ی قلب، جعل یا توزیع گسترده‌ی اسکناس جرم‌انگاری می‌کند. مطابق ماده‌ی ۲، هرگاه فعل با قصد ضربه به نظام جمهوری اسلامی ایران یا با علم به مؤثر بودن آن و در حد فساد فی‌الارض باشد، مرتکب به مجازات اعدام محکوم می‌شود؛ در غیر این صورت، مجازات حبس از پنج تا بیست سال همراه با ضبط کلیه اموال ناشی از جرم اعمال می‌گردد. صلاحیت رسیدگی به این جرایم نیز به موجب تبصره‌ی ۶، بر عهده‌ی دادگاه انقلاب و با قید فوریت است. از حیث تناسب، این قانون محور ارزیابی را از عنصر مادی جعل یا ترویج، به مقیاس «اخلال عمده در نظام پولی و ارزی» و عنصر ذهنی «قصد ضربه» منتقل کرده و بدین سان، پاسخ کیفری را واجد ماهیتی امنیتی ساخته است. این امنیتی‌سازی پاسخ، کانون اصلی نقدهای نظری است؛ به‌ویژه در زمینه‌ی تناسب مجازات اعدام با جرایمی ذاتاً اقتصادی (Mir Mohammad Sadeghi & Soltani-Zanai, 2023, p. 15). در تعارض میان مقررات تعزیرات و قانون اخلالگران، قاعده‌ی «خاص مقدم بر عام» همراه با معیار «عمده یا کلان بودن» و «قصد خاص» موجب اعمال قانون خاص می‌شود؛ بدین معنا که جعل و ترویج محدود در چارچوب تعزیرات باقی می‌ماند، در حالی که اخلال کلان یا سازمان‌یافته تحت شمول قانون اخلالگران قرار می‌گیرد.

قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (مواد ۱۸ تا ۲۰)

قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (مواد ۱۸ تا ۲۰) با وجود ماهیت تنظیمی-اقتصادی خود، در حوزه‌ی ارز نقشی کیفری و تعزیری مؤثر ایفا می‌کند. قانون‌گذار از طریق پیش‌بینی جزای نقدی نسبی متناسب با ارزش

ارز قاچاق و ضبط عین آن، کوشیده است با افزایش هزینه ارتکاب و حذف انگیزه‌های اقتصادی جرم، بازدارندگی را تحقق بخشد (Rahmanifard, 2021). مطابق ماده‌ی ۱۸، حمل، نگهداری یا قاچاق ارز مستوجب ضبط عین ارز و جزای نقدی است؛ به گونه‌ای که در مورد ارز ورودی، مجازات از یک تا دو برابر بهای ریالی و در مورد ارز خروجی، از دو تا چهار برابر تعیین می‌شود. ماده‌ی ۱۸ مکرر برای واحدهای صنفی و صرافی‌هایی که به نگهداری یا عرضه‌ی ارز قاچاق مبادرت ورزند، جریمه‌ای مضاعف پیش‌بینی کرده است و ماده‌ی ۲۰ نیز توقیف وسیله‌ی نقلیه‌ی حامل ارز قاچاق و افزودن معادل ارزش آن به جریمه‌ی راننده را مقرر می‌دارد، مشروط بر اینکه راننده عالماً اقدام کرده و امکان امتناع داشته باشد. این سازوکار با رویکردی بازدارنده، گردش غیررسمی ارز را محدود و از طریق افزایش هزینه ارتکاب، بازدهی انتظاری قاچاق را کاهش می‌دهد؛ بدین ترتیب، قانون مذکور به تقویت ثبات پولی و ارزی کشور یاری می‌رساند.

قانون پولی و بانکی کشور

قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۸ تیرماه ۱۳۵۱ (با آخرین اصلاحات تا ۷ مهرماه ۱۳۹۴)، از بنیادی‌ترین قوانین در نظام حقوقی مالی و پولی جمهوری اسلامی ایران است که به تنظیم و نظارت بر ساختار پولی، بانکی و ارزی کشور می‌پردازد. در فصل چهارم این قانون تحت عنوان «مقررات کیفری و انتظامی»، ابعاد کیفری و انتظامی حفاظت از نظم پولی و ارزی پیش‌بینی شده است. بر اساس ماده‌ی ۴۲، هرگونه خرید و فروش ارز، عملیات بانکی منجر به انتقال یا تعهد ارزی، و نیز ورود یا خروج ارز یا پول رایج کشور بدون رعایت مقررات ارزی مصوب بانک مرکزی جرم تلقی شده و مرتکب به جزای نقدی تا معادل پنجاه درصد مبلغ موضوع تخلف محکوم می‌گردد. همچنین تأسیس بانک یا اشتغال به بانکداری بدون مجوز قانونی و استفاده‌ی غیرمجاز از عنوان «بانک» با حبس تعزیری تا شش ماه مجازات دارد. ماده‌ی ۴۳ نوعی ضمانت اجرای شبه کیفری برای نقض نسبت‌های احتیاطی مقرر در ماده‌ی ۱۴ ایجاد کرده و بانک‌ها یا مؤسسات اعتباری متخلف را مکلف به پرداخت ۱۲٪ سالانه نسبت به مبلغ تخلف می‌نماید.

در نهایت، ماده‌ی ۴۴ با تأسیس «هیأت انتظامی بانک‌ها» به عنوان مرجع شبه قضایی، نظامی از مجازات‌های انتظامی شامل تذکر کتبی، جریمه‌ی روزانه تا سقف دویست میلیون ریال و محرومیت موقت یا دائم از برخی فعالیت‌های بانکی را برای تخلفات غیرمجرمانه مقرر می‌دارد. مجموعه‌ی این مقررات، در کنار الزام تعقیب جزایی با شکایت بانک مرکزی (تبصره‌ی ماده‌ی ۴۲)، ساختاری هماهنگ از حمایت کیفری و انتظامی از نظم پولی و ارزی کشور را شکل می‌دهد که هدف آن تضمین ثبات پول ملی، سلامت گردش ارزی و پیشگیری از اخلال در سیاست‌های پولی است. افزون بر این مواد قانونی، آیین‌نامه اجرایی فصل

چهارم قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۶۲/۱۲/۱۷ نیز سازوکارهای مهمی برای تشخیص تخلف، رسیدگی انتظامی و اعمال ضمانت اجرای غیر کیفری پیش بینی کرده است؛ از جمله نحوه ارجاع تخلفات به هیأت انتظامی، ترتیب رسیدگی و حدود اختیارات رئیس کل و هیأت انتظامی. هرچند تحلیل تفصیلی این آیین نامه خارج از محور مقاله است، اما نقش آن در تکمیل کارکرد انتظامی مواد ۴۲ تا ۴۴ قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۶۲/۶/۸ با اصلاحات بعدی قابل توجه است.

این سازوکار تا پیش از تصویب قانون بانک مرکزی جدید در سال ۱۴۰۲ از ارکان اصلی حقوق کیفری پولی ایران به شمار می رفت.

۲- حمایت کیفری ساده از نظام پولی

۲-۱- حمایت کیفری مقدماتی در تخلفات خرد پولی

حمایت کیفری مقدماتی، نخستین سطح از حمایت کیفری ناظر بر نظام پولی است که با به کارگیری ابزارهای حقوقی خفیف و غیرشدید، می کوشد واکنش کیفری را به حداقل لازم برای حفظ نظم ارزی محدود کند. در تبیین دقیق تر این سطح از حمایت، ابتدا باید ماهیت رفتارهای مخل و وضعیت ذهنی مرتکبان آن روشن گردد.

در این سطح خفیف از حمایت کیفری، رفتارهای مخل عموماً شامل تخلفات خرد پولی و ارزی است که با نقض مقررات آمره ناظر پولی تحقق می یابند؛ مانند خرید و فروش ارز بدون رعایت مقررات بانک مرکزی یا اشتغال به عملیات بانکی بدون مجوز. از حیث عنصر ذهنی، مرتکب در این سطح غالباً فاقد قصد ضربه به نظام پولی است و انگیزه وی نفع اقتصادی فردی یا ناآگاهی از الزامات قانونی است؛ بدین سان، تقصیر کیفری وی بیشتر در قالب بی مبالاتی یا امتناع آگاهانه از تبعیت مقررات قابل تحلیل است. واکنش کیفری نیز متناسب با همین وضعیت ذهنی، در قالب جزای نقدی و حبس های کوتاه مدت تا سه سال تنظیم شده و هدف اصلی آن بازگرداندن سریع نظم و اعتماد پولی از طریق اصلاح رفتاری است. در ادامه، برای درک ساختار تقنینی این سطح از حمایت، می توان به مقررات صریح قانون پولی و بانکی و قوانین مکمل آن اشاره کرد.

در پایین ترین رده پاسخ های کیفری ناظر بر صیانت از نظام پولی، قانون گذار عمدتاً به مجازات های مالی و حبس های کوتاه مدت اتکا می کند تا تخلفات خرد ارزی مهار شود و پیام قانون مداری در معاملات ارزی به بازار مخابره گردد. نمونه متداول این رویکرد، ماده ۴۲ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱ است که خرید و فروش ارز یا هر عملیاتی را که به انتقال یا تعهد ارزی می انجامد، بدون رعایت مقررات بانک مرکزی ممنوع می دانست و برای مرتکب، جزای نقدی تا معادل ۵۰٪ مبلغ موضوع تخلف پیش بینی

می‌کرد؛ بند «ب» همین ماده نیز تأسیس بانک یا اشتغال به بانکداری بدون مجوز را ممنوع می‌ساخت. در تداوم همین منطق تقنینی، تحولات نهادی سال‌های اخیر نیز با حفظ رویکرد خفیف در برخورد با تخلفات پولی و ارزی، چارچوب اجرایی تازه‌ای برای آن پدید آورده‌اند. با تصویب قانون جدید بانک مرکزی در ۳۰ خرداد ۱۴۰۲، صلاحیت و فرآیند رسیدگی به جرائم پولی و بانکی بازطراحی شد از جمله، پیش‌بینی شعب ویژه دادرسی و دادگاه جرائم پولی و بانکی و تقویت کارکرد هیأت‌های انتظامی. با وجود این تحول نهادی، منطق پاسخ خفیف نسبت به تخلفات خرد ارزی، ذیل مقررات آمره و دستورالعمل‌های نظارتی بانک مرکزی^۱، همچنان به صورت شبکه‌ای استمرار یافته است؛ به نحوی که ظرفیت «دروازه‌بانی» ناظر پولی و نهادهای تخصصی برای گزینش ابزارهای سریع‌تر و کم‌هزینه‌تر در مدیریت تخلفات ارتقا یافته است. با این حال، همین تکیه بر ابزارهای خفیف در حوزه‌ای که بخش مهمی از کنشگران آن بازیگران قدرتمند بازار مالی و وابستگان به ساختار حاکمیت‌اند، می‌تواند به نوعی تبعیض کارکردی در نظام کیفری منجر شود؛ به این معنا که تخلفات و جرایم یقه‌سفید در پوشش عناوین تنظیمی و انتظامی مدیریت شده و برخورد کیفری شدید عمدتاً برای کنشگران خرد و فاقد قدرت اجتماعی و اقتصادی باقی بماند. از این منظر، سیاست کیفری ظاهراً ملایم در قبال تأسیس بانک‌ها و مؤسسات مالی غیرمجاز، در کنار تداوم واکنش‌های سخت‌گیرانه نسبت به جرایم سنتی مانند قلب سکه، می‌تواند بیانگر دوگانگی ساختاری در حمایت کیفری از نظم پولی باشد.

نمونه‌ای از استمرار همین حمایت کیفری ساده را می‌توان در سایر قوانین مرتبط با نظام پولی مشاهده کرد. در کنار این چارچوب، قانون تنظیم بازار غیرمتمثل پولی مصوب ۱۳۸۳ را می‌توان نمونه‌ای بارز از واکنش کیفری خفیف با کارکرد تنظیمی دانست. مقنن در این قانون، اشتغال به عملیات بانکی بدون مجوز را در صورت امتناع از اخذ مجوز در مهلت مقرر مستوجب حبس کوتاه‌مدت دانسته و اختیار توقف یا تعلیق فعالیت مؤسسات متخلف را به بانک مرکزی تفویض کرده است. اهمیت این قانون زمانی بهتر درک می‌شود که وضعیت بازار غیرمتمثل پولی در سال‌های اخیر بررسی گردد. بازار غیرمتمثل پولی، شامل مؤسسات اعتباری، صرافی‌ها و صندوق‌های قرض‌الحسنه، در سال‌های اخیر به سبب ضعف نظارت و توسعه فعالیت‌های غیرمجاز، با چالش‌هایی نظیر نوسان نرخ بهره، عدم شفافیت مالی و تداخل کارکردی با شبکه

^۱ قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۳۰ خرداد ۱۴۰۲، با اصلاحات و الحاقات بعدی، ابلاغ‌شده به شماره ۱۶۳۸۸۰ مورخ ۱۱/۹/۱۴۰۲، منتشرشده در روزنامه رسمی شماره ۲۲۹۲۶ مورخ ۱۴/۹/۱۴۰۲، به‌ویژه مواد ۴، ۴۲ تا ۴۴.

بانکی رسمی مواجه بوده و به یکی از مخاطرات ساختاری نظام مالی کشور بدل شده است (Rahimi, 2025, p. 390).

در چنین وضعیتی، سیاست کیفری ناظر بر این حوزه با بهره‌گیری از ابزارهای خفیف و انتظامی، می‌کوشد میان صیانت از اقتدار ناظر پولی و پرهیز از افراط در کیفری‌سازی توازن برقرار سازد. این رویکرد، با افزایش هزینه فرصت فعالیت غیرمجاز و پیشگیری از تخلف در سطح نهادی، ثبات و انضباط در نظام پولی را بدون توسل به مجازات‌های شدید تضمین می‌کند. در نتیجه، اتخاذ چنین سیاستی مستلزم تعیین اهداف روشن و قابل سنجش در سطح تقنین و اجرا است.

از حیث غایت‌گذاری، این طیف خفیف دست کم سه هدف را دنبال می‌کند: نخست، اصلاح سریع رفتار و بازگرداندن تخلفات خرد به مدار قانونی از طریق جریمه مالی، ضبط و تعلیق به‌جای کیفری‌سازی شدید؛ دوم، صیانت از ظرفیت دستگاه قضایی برای تمرکز بر جرائم ساختاری و کلان؛ و سوم، اعمال بازدارندگی نمادین در سطح بازار یعنی کاستن از سود اقتصادی قانون‌گریزی خرد با افزایش احتمال کشف و تحمیل هزینه فوری تخلف.

یافته‌های پژوهشی در ادبیات مالی و حقوقی ایران نیز مؤید آن است که ترکیب «جریمه متناسب» با «نظارت بانکی کارآمد» به کاهش توسل به مجازات‌های شدید در تخلفات سبک انجامیده و به تقویت نظم ارزی کمک می‌کند (Jafari & Biniaz, 2022). در مرز بالایی این سطح، در برخی عناوین نزدیک به حوزه پول رایج، امکان توسل به حبس‌های کوتاه‌مدت تا سه سال وجود دارد؛ باین حال تحلیل تفصیلی این عناوین به بخش بعدی موکول می‌شود. در اینجا کافی است تأکید شود که در طراحی کلان سیاست کیفری پولی، حفظ ابزارهای خفیف به‌مثابه خط مقدم پاسخ، برای ارسال سیگنال قاعده‌مندی به بازیگران بازار و تقویت اعتماد به پول ملی، ضرورت دارد. به‌طور کلی، استمرار استفاده از ابزارهای خفیف نه تنها از منظر اجرایی بلکه از حیث سیاست‌گذاری کلان، شرط لازم برای تقویت اعتماد به نظام پولی کشور است. بنابراین، حمایت کیفری مقدماتی را می‌توان سنگ‌بنای نظم حقوقی پولی دانست که ضمن حفظ کارایی نظام مالی، از گسترش بی‌رویه کیفری‌سازی در حوزه پول و ارز پیشگیری می‌کند.

برای نمونه، تجربه‌ی اخیر در پرونده‌ی حلّ «بانک آینده»^۱ در سال ۱۴۰۳ نشان داد که چگونه ضعف نظارت انتظامی و انباشت تخلفات مالی در سطح مؤسسه‌ای می‌تواند از حوزه‌ی حمایت کیفری خفیف

^۱ خبرگزاری تسنیم. بازیابی شده از <https://www.faraz.ir/fa/news/94691>

فرا تر رفته و ضرورت مداخله‌ی بازدارنده‌ی نهادی و حتی قضایی را پدید آورد. بر اساس اعلام بانک مرکزی، زیان انباشته‌ی این بانک به بیش از چهارصد هزار میلیارد تومان رسیده بود و تخلفات گسترده در اعطای تسهیلات و سرمایه‌گذاری‌های غیرمولد موجب تهدید ثبات نظام پولی گردید. در نهایت، هیأت عالی بانک مرکزی در تاریخ ۱ آبان ۱۴۰۴ با ورود پرونده به فرایند گزیر/حل، بانک ملی ایران را به‌عنوان امین و متولی انتقال و اداره دارایی‌ها و بدهی‌های «بانک آینده» تعیین کرد؛ متعاقباً، بنا بر اعلام رسمی قوه قضائیه در ۶ آبان ۱۴۰۴، پرونده قضایی درباره «بانک آینده» تشکیل شد. این تحولات را می‌توان نشانه‌ای از مرز میان حمایت انتظامی و امکان گذار به حمایت کیفری بازدارنده دانست؛ زیرا در این مرحله، ورود هم‌زمان نهاد ناظر پولی و قوه قضائیه بیش از هر چیز بیانگر تقویت نظارت نهادی و افزایش حساسیت نظام حکمرانی نسبت به ثبات پولی است، نه آغاز مداخله کیفری به‌معنای خاص آن^۱.

افزون بر این نمونه، رویه‌ی عملی سال‌های اخیر نیز نشان می‌دهد که ضعف نظارت انتظامی در برخی مؤسسات اعتباری می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای نظم پولی داشته باشد؛ از جمله پرونده‌ی مؤسسه‌ی ثامن الحجج^۲ که در آن، انباشت تخلفات مالی، کتمان اطلاعات برای ناظر پولی و ناتوانی در ایفای تعهدات به سپرده‌گذاران منجر به ورود هم‌زمان نهاد ناظر و مرجع قضایی شد. همچنین در پرونده‌ی مؤسسه‌ی اعتباری فرشتگان^۳، که تخلفات گسترده در پذیرش سپرده‌های کلان، حیف‌ومیل اموال و اخلال عمده در نظام اقتصادی احراز شده بود، مداخله‌ی قضایی در کنار اقدامات انتظامی بانک مرکزی نقش تعیین‌کننده‌ی

عصر ایران. بازیابی شده از <https://www.asriran.com/fa/news/1106512>

^۱ مقصود از تعبیر «امکان گذار به حمایت کیفری بازدارنده»، اشاره به تغییر کارکردی نظام پاسخ از سطح انتظامی به سطحی است که احتمال مداخله نهادهای کیفری در آن افزایش می‌یابد؛ بدون آن که دلالتی بر وقوع تعقیب کیفری بالفعل داشته باشد. در ادبیات حقوق کیفری، «بازدارنده» صرفاً به معنای اعمال مجازات نیست، بلکه به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که تهدید یا احتمال پاسخ کیفری را در راستای حفظ ثبات مالی تقویت می‌کنند.

^۲ پرونده مؤسسه مالی و اعتباری ثامن الحجج: مربوط به یکی از مهم‌ترین پرونده‌های فساد اقتصادی دهه ۱۳۹۰ است که در آن، تخلفات گسترده مالی در یک مؤسسه غیرمجاز با ارقام بسیار کلان، پرداخت سودهای غیرمعارف و اعطای تسهیلات رانتی، زمینه‌ساز مداخله ناظر پولی و مرجع قضایی شد.

^۳ پرونده مؤسسه اعتباری فرشتگان: مربوط به تعاونی اعتباری منحل‌ای است که با جذب گسترده سپرده‌ها، پرداخت سودهای نامتعارف، حیف‌ومیل اموال سپرده‌گذاران و وقوع زیان انباشته سنگین مواجه شد؛ بر اساس کیفرخواست رسمی، مدیران مؤسسه به اخلال عمده در نظام اقتصادی، خیانت در امانت و تحصیل مال نامشروع متهم گردیده و پرونده تحت رسیدگی کیفری در دادگاه انقلاب و نظارت مضاعف بانک مرکزی قرار گرفت.

در سامان‌دهی وضعیت سپرده‌گذاران ایفا کرد. مجموعه‌ی این مصادیق بیانگر آن است که مرز میان حمایت انتظامی و مداخله‌ی کیفری در عمل، تابع شدت تخلفات و میزان تهدید ثبات پولی است.

۲-۲- حمایت کیفری میانی در برابر جرایم پولی

حمایت کیفری بازدارنده، سطحی میانی از سیاست کیفری پولی است که با استفاده از مجازات‌های میان‌مدت و تدابیر اقتصادی، هدف اصلی آن پیشگیری از تضعیف اعتماد به ابزار پرداخت قانونی است. در قلمرو کیفری، محور حمایت از نظام پولی بر صیانت از اعتبار ابزار پرداخت قانونی استوار است. قانون‌گذار در مواد ۵۱۸ تا ۵۲۰ «کتاب پنجم تعزیرات» قانون مجازات اسلامی، ساخت، ورود یا ترویج مسکوکات تقلبی و نیز کاستن از عیار آن‌ها را با حبس‌های یک تا ده سال مجازات کرده و در ماده ۵۲۵ جعل اسکناس و اسناد بانکی را جرم‌انگاری نموده است. افزون بر این، ماده ۵۲۶ در فرض قصد اخلاف در نظام پولی یا اقتصادی، دامنه مجازات را تا پنج تا بیست سال توسعه می‌دهد. منطق تشدید در این مقررات بر این مبناست که هر اندازه رفتار مجرمانه مستقیماً متوجه اعتبار پول ملی و اعتماد عمومی گردد، واکنش کیفری نیز باید شدیدتر باشد. در همین راستا، ماده ۵۲۲ با پیش‌بینی ضبط منافع و عواید ناشی از جرم، انگیزه اقتصادی ارتکاب را از میان می‌برد.

در ادامه‌ی همین چارچوب، بررسی دقیق‌تر مقررات کیفری نشان می‌دهد که قانون‌گذار ایرانی برای حفظ بازدارندگی، میان درجات مختلف تهدید نسبت به پول ملی تمایز قائل شده است. در سطح میانی حمایت کیفری ناظر بر حمایت از نظام پولی، محور جرم‌انگاری بر رفتارهایی متمرکز است که مستقیماً به اعتبار ابزار پرداخت قانونی لطمه می‌زنند؛ از جمله جعل و ترویج مسکوکات، اسکناس و اسناد تعهد‌آور بانکی. در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۹۲، مقنن با تنظیم مواد ۵۱۸ تا ۵۲۰ و ۵۲۵، سه طبقه نسبتاً همگن از این جرایم را پیش‌بینی کرده است: نخست، ساخت، وارد کردن یا ترویج مسکوکات تقلبی طلا یا نقره که به موجب ماده ۵۱۸ مستوجب حبس از یک تا ده سال است؛ دوم، کاستن از مقدار یا عیار مسکوکات به قصد تقلب طبق ماده ۵۱۹ و تقلید مسکوکات غیر طلا یا نقره طبق ماده ۵۲۰ که مجازات آن‌ها بین یک تا سه سال تعیین شده است؛ و سوم، جعل اسکناس و اسناد بانکی نظیر برات و چک به موجب ماده ۵۲۵ که با حبس یک تا ده سال مجازات می‌شود.

از دل این طبقه‌بندی قانونی، منطق تدریجی پاسخ کیفری نیز قابل استخراج است؛ به گونه‌ای که این ساختار تدریجی بیانگر آن است که هرچه رفتار مجرمانه به ابزار پرداخت رایج نزدیک‌تر باشد و اثر مستقیم‌تری بر اعتماد عمومی و گردش مالی بگذارد، پاسخ کیفری نیز از حبس‌های کوتاه‌مدت به مجازات‌های میان‌مدت و شدیدتر میل می‌کند. با این حال، ارتقای سطح پاسخ همواره منوط به احراز عناصر ذهنی و عینی مشخص،

از جمله قصد اخلاف در نظام پولی یا بهره‌برداری از امتیازات قانونی است. از حیث عنصر ذهنی، مرتکب در این سطح معمولاً با قصد تقلب یا انتفاع اقتصادی فردی اقدام می‌کند و هنوز فاقد قصد خاص اخلاف در نظام پولی است؛ به همین دلیل واکنش کیفری در این سطح، ماهیت بازدارنده دارد نه امنیتی.

افزون بر این، در سطح درونی همین طیف نیز می‌توان تمایزات ظریفی میان انواع رفتارهای مجرمانه مشاهده کرد؛ به‌ویژه از حیث گستره‌ی زیان و سهولت کشف: کاهش عیار یا مقدار مسکوک (ماده ۵۱۹) و تقلید مسکوکات غیرطلا یا نقره (ماده ۵۲۰) به دلیل محدود بودن دامنه زیان و قابلیت کشف بالا، در بازه حبس ۱ تا ۳ سال باقی می‌مانند؛ اما ساخت یا ترویج مسکوکات طلا و نقره (ماده ۵۱۸) و جعل اسکناس یا اسناد بانکی (ماده ۵۲۵) به سبب تهدید مستقیم اعتماد پولی و ارتباط با فرآیند تسویه، مستوجب مجازات‌های میان‌مدت تا بلندمدت‌اند.

در گام بعد، قانون‌گذار با بهره‌گیری از ابزارهای مالی و اقتصادی، تلاش کرده است تا بازدارندگی را از سطح صرفاً کیفری به سطح اقتصادی گسترش دهد. مطابق ماده ۵۲۲، افزون بر مجازات حبس، تمامی عواید ناشی از جرایم موضوع مواد ۵۱۸ تا ۵۲۰ به نفع دولت ضبط می‌شود؛ این تدبیر، انگیزه اقتصادی جرم را هدف قرار داده و بازدارندگی را از سطح کیفری به سطح اقتصادی ارتقا می‌دهد. همچنین ماده ۵۲۵ با پیش‌بینی الزام به جبران خسارت، پیوند پاسخ کیفری و مدنی را در قالب حمایت ترمیمی از اعتماد پولی برقرار کرده است.

در تحلیل کلی این سطح از حمایت، می‌توان آن را نقطه‌ی مرزی میان جرایم خرد و رفتارهای اخلاف‌گر کلان دانست؛ چرا که این سطح میانی، مرز میان جرایم خرد و جرایم اخلاف‌گر کلان را مشخص می‌کند (Jafari-Muslim & Aghababai, 2021, p. 41). قانون‌گذار در ماده ۵۲۶ با افزودن عنصر «قصد اخلاف در نظام پولی یا اقتصادی کشور» دامنه رفتار را از حوزه مجازات‌های متوسط (۱ تا ۱۰ سال) به مجازات‌های شدید (۵ تا ۲۰ سال) انتقال داده است. بدین ترتیب، معیار تفکیک سطوح پاسخ بر دو رکن استوار است: قصد اخلاف و مقیاس اثر سیستمیک رفتار. تا زمانی که این عناصر احراز نگردند، جعل مسکوک و اسکناس در سطح میانی باقی مانده و با مجازات‌های میان‌مدت، ضبط عواید و جبران خسارت مواجه خواهد شد. برآیند منطقی این رویکرد، دستیابی به مجموعه‌ای از اهداف بازدارنده است که در سه محور قابل تبیین‌اند. این سطح از پاسخ کیفری سه هدف را توأمان دنبال می‌کند: نخست، صیانت از اعتبار و کارکرد ابزار پرداخت قانونی از طریق اعلام قاطعیت نسبت به تحمل‌ناپذیری تقلب پولی؛ دوم، کاهش

بازده اقتصادی جرم با ضبط عواید و تحمیل هزینه‌های حقوقی؛ و سوم، حفظ تناسب پاسخ تا پیش از عبور رفتار از آستانه اخلال کلان.

در واقع جعل اسکناس و مسکوک به‌عنوان تهدیدی ساختاری علیه اعتماد پولی محسوب می‌شود (Rostami Ghazani & Hamidi, 2023, p. 138)، جایی که سیاست جنایی متناسب اقتضا دارد پاسخ بازدارنده اما غیرامنیتی اتخاذ شود؛ پاسخی که نه در سطح تخلفات خرد باقی می‌ماند و نه به‌سرعت وارد قلمرو امنیتی‌سازی کیفری می‌شود، بلکه تعادلی میان بازدارندگی مؤثر و تناسب رفتاری برقرار می‌سازد. از این‌رو، می‌توان گفت که حمایت بازدارنده حلقه‌ی واسطی میان حمایت مقدماتی و حمایت شدید محسوب می‌شود و نقش آن، جلوگیری از عبور رفتارهای مجرمانه به مرحله‌ی اخلال ساختاری است.

در تداوم همین رویکرد بازدارنده، تحولات نهادی اخیر نیز نشان می‌دهد که قانون‌گذار با تمرکز بر اقتدار نهاد ناظر پولی، کوشیده است بُعد نهادی حمایت کیفری را تحکیم کند. در سطح کلان، قانون ۱۴۰۲ با تثبیت اقتدار بانک مرکزی به‌عنوان ناظر پولی (Ghorbani Zirdehi et al., 2024, p. 3)، پیوند میان ثبات پولی، سلامت نظام پرداخت و اعتماد عمومی را تحکیم کرده است. از منظر حمایت کیفری، جرم‌انگاری جعل اسکناس و مسکوک نه ناظر به زیان خصوصی بلکه معطوف به صیانت از اعتماد جمعی و کارکرد اقتصادی پول است؛ زیرا هرگونه تعرض به ذات ابزار پرداخت، تهدیدی علیه ثبات مالی و نظم اقتصادی ملی محسوب می‌شود.

در ادامه و پیش از تبیین سطح سوم حمایت کیفری، ضروری است مفهوم «اخلال» که محور تمایز سطوح پاسخ کیفری است، به‌صورت تحلیلی بررسی شود.

مفهوم «اخلال» از بنیادی‌ترین اما درعین‌حال مبهم‌ترین اصطلاحات در حقوق کیفری اقتصادی ایران مرتبط با نظام پولی است. قانون‌گذار در مواد مختلفی از جمله ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱ قانون مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی کشور، بدون تعریف دقیق، این واژه را به‌کار برده است. اخلال را می‌توان در دو سطح متمایز فهمید: نخست، به‌عنوان رفتار یا فعل مجرمانه‌ای که نظم موجود را نقض می‌کند؛ و دوم، به‌عنوان اثر یا پیامد آن رفتار که منجر به بی‌ثباتی در نظام پولی می‌گردد (Kameli et al., 2021, p. 9). در معنای نخست، «اخلال» ناظر به کنش عمدی فاعل است، مانند جعل گسترده اسکناس یا چاپ پول خارج از ضوابط بانکی که در ذات خود واجد قابلیت تهدید نظام پولی‌اند. اما در

معنای دوم، اخلال مفهومی نتیجه‌محور است که تنها در صورت تحقق اثر مخرب — یعنی از بین رفتن ثبات و اعتماد پولی — قابل احراز است.

چالش اصلی در کاربرد کیفری این اصطلاح، همین دوگانگی معنایی است؛ زیرا در وضعیت‌هایی که نظام پولی خود دچار نوسان یا بی‌ثباتی است، تعیین اینکه رفتار خاصی «اخلال‌گر» محسوب می‌شود یا خیر، مستلزم داوری کارشناسی پیچیده است (Ahmadzadeh, Mousavi-Mojab, & Saberi, 2023, p. 14). به تعبیر دیگر، «اخلال» مفهومی نسبی و وابسته به سطح ثبات پیشین نظام پولی است: در نظامی پایدار، تخلف محدود می‌تواند اخلال تلقی شود، حال آنکه در شرایط تورمی یا بحران ارزی، همان رفتار ممکن است صرفاً استمرار وضع موجود باشد. از این رو، ارجاع تشخیص اخلال به کارشناسان پولی و اقتصادی، گرچه ضروری است، اما به دلیل فقدان معیارهای عینی و شاخص‌های کمی مصوب، همواره با ابهام همراه است.

این ابهام در احراز عنصر مادی و روانی جرم، در سطح کلان نیز تداوم دارد؛ زیرا به‌ویژه در مواردی که رفتار اقتصادی دارای آثار گسترده و ساختاری است، تشخیص مرز میان «اخلال کلان» و «فساد فی الارض» نیازمند معیارهای دقیق‌تری است. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مقنن در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی با تعیین شاخص‌هایی مانند گستره اثر، قصد اخلال در نظم عمومی و شدت زیان، کوشیده است حدود مفهومی جرم اخلال کلان را روشن‌تر کند (Jafari-Muslim & Aghababai, 2021).

بنابراین، «اخلال» را باید مفهومی دو وجهی دانست که هم‌زمان جنبه‌ی رفتاری و نتیجه‌ای دارد و به نسبت وضعیت ثبات نظام پولی و اقتصادی تفسیر می‌شود؛ مفهومی که غموض آن در سطح تقنین و اجرا ایجاب می‌کند تا معیارهای کیفری و کارشناسی آن به صورت دقیق و کمی بازتعریف شود.

از همین زاویه، می‌توان استدلال کرد که افزودن شرطی همچون «قصد اخلال در نظام پولی یا اقتصادی» در ماده ۵۲۶ و قوانین خاص، هرچند از حیث نظری در راستای تحدید قلمرو جرایم و رعایت اصل قانونی بودن و تفسیر مضیق به نظر می‌رسد، اما در مقام اجرا ممکن است به مانعی جدی برای تعقیب مؤثر جرایم سازمان‌یافته و کلان در حوزه پولی و بانکی تبدیل شود؛ زیرا احراز این قصد خاص در مورد مرتکبان یقه‌سفید و وابستگان به ساختار قدرت در عمل دشوار و گاه ناممکن است. این وضعیت از منظر جرم‌شناسی انتقادی می‌تواند به معنای اعطای نوعی مصونیت ساختاری به کنشگران قدرتمند و انتقال سنگینی بار سیاست کیفری به دوش مرتکبان ضعیف‌تر باشد.

۳- حمایت کیفری مشدد از نظام پولی

در پی بررسی سطوح حمایت کیفری، این بخش به مرحله‌ای می‌پردازد که در آن حمایت از نظم پولی از چارچوب اقتصادی فراتر رفته و به سطح صیانت امنیتی ارتقا می‌یابد؛ جایی که قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور نماد این گذار محسوب می‌شود.

به عبارت دیگر، در قله‌ی واکنش‌های کیفری مرتبط با نظم پولی، « قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور (مصوب ۱۹ آذر ۱۳۶۹، با اصلاحات مندرج تا تاریخ ۲۵ اسفند ۱۳۹۹) » به مثابه نقطه‌ی عطفی در گذار از حمایت اقتصادی به صیانت امنیتی نظام پولی تلقی می‌شود. این قانون در بند «الف» ماده‌ی ۱، اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور را به صورت مصداقی تبیین کرده است؛ از جمله قاچاق عمده‌ی ارز، ضرب سکه‌ی قلب، جعل اسکناس و ورود یا توزیع عمده‌ی آن‌ها - چه داخلی و چه خارجی - که همگی به عنوان رفتارهای مخل نظم پولی شناسایی شده‌اند. بدین ترتیب، هرگاه فعل پولی یا ارزی از سطح تخلف یا جعل موردی فراتر رود و در مقیاس کلان موجب اختلال در گردش و اعتماد پولی شود، رسیدگی آن از قلمرو تعزیرات عام خارج و در چارچوب قانون اخلالگران انجام می‌گیرد (Mirzaeinejad, Esmaili, & Miri, 2023, p. 37).

۱-۳- عناصر تحقق حمایت کیفری مشدد

در تبیین دامنه‌ی تشدید کیفری، قانون‌گذار در مواد بعدی، به ویژه ماده‌ی ۲ همان قانون، مرز میان رفتار اقتصادی مجرمانه و رفتار مخل امنیت اقتصادی را ترسیم کرده است. بر اساس این ماده، هرگاه افعال مذکور با قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی یا با علم به تأثیرگذاری گسترده بر امنیت اقتصادی ارتکاب یابد و در حد افساد فی الارض تشخیص داده شود، مجازات اعدام مقرر است؛ و در سایر موارد فاقد این قصد خاص، مرتکب به حبس طویل از پنج تا بیست سال همراه با ضبط اموال ناشی از رفتار مجرمانه محکوم می‌شود.

از حیث عنصر ذهنی، ارتکاب رفتارهای مخل در این سطح، طیفی از نیت‌های مجرمانه را دربرمی‌گیرد؛ از قصد انتفاع یا فساد مالی در سطح اقتصادی تا قصد خاص ضربه به نظام در سطح امنیتی. بدین ترتیب، عنصر ذهنی در جرایم موضوع قانون اخلالگران ماهیتی تصاعدی دارد و شدت واکنش کیفری نیز تابع همین تصاعد در قصد مجرمانه است. قانون‌گذار با تفکیک میان سوءنیت عام و سوءنیت خاص، قصد مقابله با نظام یا علم به تأثیرگذاری رفتار بر اخلال در نظم اقتصادی را شرط تحقق جرم در سطح مشدد دانسته است. افزون بر قصد خاص، معیار عرفی تأثیر واقعی رفتار بر نظام نیز در احراز عنصر معنوی و تشدید مجازات نقش دارد (Ziaei-Nasab, 2024, pp. 87-88). در همین زمینه، قانون‌گذار در تبیین عنصر روانی جرم اخلال، تفکیک روشنی میان «قصد اخلال» و «انگیزه‌ی سودجویی اقتصادی» ارائه نکرده است؛ در

حالی که قصد اخلال مستلزم اراده‌ی هدفمند و آگاهانه برای آسیب‌زدن به نظم پولی یا اقتصادی است و ماهیتی معطوف به نتیجه دارد، اما انگیزه‌ی سودجویی صرفاً بیانگر داعی فردی برای تحصیل منفعت اقتصادی است. عدم تمایز دقیق این دو مفهوم می‌تواند موجب آن شود که رفتارهای صرفاً سوداگرانه یا حتی پرریسک اقتصادی، به‌نحو نادرست در شمار افعال مخل نظم اقتصادی قرار گیرند. چنین تلقی‌ای علاوه بر تهدید اصل تفسیر مضیق، موجب بی‌ثباتی در پیش‌بینی‌پذیری سیاست کیفری نیز می‌شود؛ زیرا مرز میان فعالیت اقتصادی نامشروع و رفتار مخرب ساختاری مخدوش می‌گردد. از این‌رو، تفکیک مفهومی روشن میان قصد اخلال و انگیزه‌ی سودجویی، شرط لازم برای جلوگیری از توسعه‌ی ناموجه دایره‌ی مسئولیت کیفری و تضمین کارکرد تنظیمی سنجیده در حوزه‌ی پول و ارز است.

۲-۳- ابعاد امنیتی حمایت کیفری مشدد

افزون بر این، قانون‌گذار اختیار تعیین شلاق در انظار عمومی (بیست تا هفتاد و چهار ضربه) را نیز برای دادگاه مقرر کرده و در تبصره‌ها تأکید نموده است که رسیدگی به این جرایم در صلاحیت دادگاه انقلاب بوده و باید به‌صورت فوری و خارج از نوبت انجام شود. این سازوکار شکلی و ماهوی، واکنش کیفری را از سطح حمایت اقتصادی از پول ملی به حوزه‌ی صیانت امنیتی از نظم پولی و ارزی ارتقا داده و بازتاب‌دهنده‌ی نگاه سیاست جنایی ایران به تهدیدهای سیستمی در بستر اقتصاد ملی است (Mir & Mohammad Sadeghi & Soltani-Zanai, 2023, p. 15).

پس از تبیین مبانی تقنینی تشدید، بررسی نسبت میان جرم و مجازات در این سطح از حمایت کیفری، ابعاد عملی حمایت کیفری مشدد را روشن می‌سازد. از منظر تناسب جرم و مجازات، قاچاق عمده‌ی ارز حلقه‌ی اتصال میان بازار ارز و واکنش کیفری شدید محسوب می‌شود؛ همان رفتاری که در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز غالباً از طریق ضبط و جریمه‌های نقدی مهار می‌شود (مانند ماده‌ی ۱۸)، هرگاه به سطح اخلال در نظام پولی یا ارزی برسد، تحت شمول قانون اخلال‌گران قرار گرفته و با مجازات‌های طولی‌المدت، مصادره‌ی گسترده و در صورت احراز فساد فی‌الارض حتی با اعدام مواجه می‌شود. بنابراین، دو عنصر کلیدی - یعنی مقیاس رفتار (عمده/کلان) و عنصر ذهنی خاص (قصد ضربه یا علم به تأثیرگذاری علیه نظام) - معیار گذار از پاسخ‌های تنظیمی و تعزیری به واکنش‌های شدید و امنیتی‌اند. در این سطح از حمایت کیفری، نظم پولی دیگر صرفاً به‌مثابه یک حوزه‌ی اقتصادی درک نمی‌شود، بلکه بخشی از امنیت اقتصادی و حاکمیتی تلقی می‌گردد.

این الگو، سیاست کیفری ایران را در برابر تهدیدهای ساختاری نظم پولی به‌سوی منطق امنیتی سوق می‌دهد (همان)؛ جایی که قاچاق گسترده‌ی ارز یا جعل عمده‌ی اسکناس به‌مثابه خطر سیستمی تلقی شده و واکنش

کیفری از قالب تعزیرات اقتصادی به سطح صیانت امنیتی ارتقا می‌یابد. با این حال، چنین رویکردی در عین تقویت بازدارندگی نهادی، پرسش‌های بنیادینی درباره‌ی تناسب مجازات‌ها، دقت در مفهوم مقیاس کلان، و مرز میان جرم اقتصادی و جرم امنیتی در سیاست کیفری ایران برمی‌انگیزد.

همچنین، بُعد ارزی حمایت کیفری مشدد قابل توجه است؛ چرا که ساختار ارزی کشور بیش از هر بخش دیگر در معرض تهدیدهای کلان و فرامرزی قرار دارد. نظام ارزی در حقوق کیفری ایران به چرخه نگهداری، مبادله و انتقال ارز خارجی اطلاق می‌شود؛ حوزه‌ای که به سبب تأثیر مستقیم بر تراز پرداخت‌ها و ثبات کلان اقتصادی، مشمول نظارت و جرم‌انگاری ویژه است. در رأس این ساختار، قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور قاچاق عمده ارز، جعل و توزیع گسترده اسکناس خارجی را مصداق اخلاف در نظام پولی یا ارزی دانسته و برای آن مجازات‌های طویل‌مدت تا در حد افساد فی الارض مقرر کرده است. منطق این جرم‌انگاری، تلقی رفتار ارزی کلان به عنوان تهدیدی سیستمی علیه امنیت اقتصادی کشور است (Mojahid, 2016).

از سوی دیگر، تحقق بازدارندگی شدید بدون سازوکارهای نهادی ممکن نیست؛ از همین رو قوانین مکمل و نهادهای ناظر نقشی اساسی در کارآمدسازی حمایت کیفری مشدد ایفا می‌کنند. در لایه دیگر، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نقش مکمل ایفا می‌کند و با ابزارهایی چون ضبط ارز، جزای نقدی چندبرابری و توقیف وسایل حمل، بُعد بازدارندگی عملیاتی را تقویت می‌نماید. هم‌زمان، بانک مرکزی در چارچوب قانون ۱۴۰۲، مأمور تنظیم مقررات و نظارت بر معاملات ارزی و تعقیب تخلفات مرتبط گردیده است؛ سازوکاری که پیوند سیاست کیفری و سیاست ارزی را نهادینه می‌کند. تمایز اصلی نظام ارزی در امنیت‌محور بودن واکنش کیفری است: هرگاه رفتار از سطح تخلف خرد فراتر رفته و در مقیاس عمده موجب اخلاف در نظم ارزی گردد، از قلمرو واکنش کیفری خفیف عام خارج شده و با شدیدترین ضمانت‌اجراها مواجه می‌شود. در مقابل، تخلفات جزئی همچنان در چارچوب تدابیر ضبط و جزای نقدی کنترل می‌گردند.

در ساختار حقوق کیفری ایران، نظام پولی و نظام ارزی هرچند ذیل عنوان مشترک نظام پولی و ارزی ذکر می‌شوند، اما منطق تقنینی و حمایت کیفری حاکم بر هر یک ماهیتی متمایز دارد. در محور پولی، جرم‌انگاری معطوف به صیانت از اعتبار ابزار پرداخت قانونی است؛ جعل و ترویج اسکناس یا مسکوک، به عنوان تعرض به اعتماد عمومی نسبت به پول ملی، در کتاب پنجم تعزیرات پیش‌بینی شده و در محدوده تعزیرات عام با مجازات‌های میان‌مدت و ضبط عواید مالی پاسخ داده می‌شود. تنها در صورت احراز قصد

اخلال در نظام پولی یا اقتصادی، طبق ماده ۵۲۶، واکنش کیفری تشدید می‌گردد. این سطح از حمایت بیانگر تلقی پول ملی به عنوان ستون اعتماد درون‌سیستمی و عنصر بنیادین نظم مالی داخلی است (Ghadimi et al., 2019, p. 117).

در مقابل، محور ارزی واجد منطق امنیتی-سیستمی است. قاچاق عمده ارز و سایر رفتارهایی که جریان مبادلات خارجی را مختل می‌سازند، افزون بر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، در قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور تحت عنوان اخلال در نظام پولی یا ارزی جرم‌انگاری شده و با شدیدترین ضمانت‌اجراها از حبس طویل تا مصادره گسترده و در فرض افساد فی‌الارض سلب حیات مواجه می‌گردند. این تفاوت در سطح پاسخ، بازتاب‌دهنده‌ی تلقی قانون‌گذار از تهدیدهای ارزی به عنوان مخاطرات امنیت اقتصادی است، در حالی که تهدیدهای پولی در منطق اعتماد و انتظام درون‌سیستمی تحلیل می‌شوند.

در ادامه‌ی تمایز یادشده، می‌توان منطق امنیتی-سیستمی محور ارزی را به گونه‌ای دقیق‌تر بررسی کرد. از حیث تقنینی نیز، تمایز آشکاری میان دو حوزه وجود دارد: جرایم پولی در متن قانون مجازات اسلامی و در قالب تعزیرات عام تنظیم شده‌اند، در حالی که جرایم ارزی در قوانین خاص اقتصادی-امنیتی مورد حکم قرار گرفته‌اند. این تمایز، فلسفه دوگانه‌ی حمایت را آشکار می‌سازد: پولی متکی بر حفظ اعتماد عمومی، و ارزی معطوف به کنترل ریسک‌های کلان و جریان‌های فرامرزی سرمایه (Jafari & Biniaz, 2022, p. 239). باوجود این، شدت واکنش در حوزه ارزی معمولاً فزونی دارد و این امر نوعی عدم تقارن کیفری در سیاست کیفری اقتصادی پدید آورده است؛ به نحوی که غلبه منطق امنیتی در حوزه ارز، گاه موجب حاشیه‌رفتن اولویت ذاتی حمایت از پول ملی می‌شود.

در مجموع، حمایت کیفری مشدد از نظام پولی در برخی موارد بیانگر غلبه‌ی منطق امنیتی بر منطق اقتصادی در سیاست کیفری ایران است؛ تحولی که هرچند بازدارندگی را تقویت کرده، اما مرز میان جرم اقتصادی و جرم امنیتی را به بازنگری نظری نیازمند ساخته است.

نتیجه‌گیری

در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش درباره چگونگی حمایت کیفری از نظام پولی و ارزی در چارچوب قانون‌گذاری ایران، یافته‌ها نشان می‌دهد که حمایت کیفری در این حوزه بر ساختاری سه‌سطحی استوار است که طی آن، واکنش قانون‌گذار از ابزارهای انتظامی و تعزیری خفیف آغاز شده و در مواجهه با رفتارهای پرخطر و سازمان‌یافته به سطوح بازدارنده و سپس مشدد می‌رسد. این الگوی تدریجی، بیانگر گذار از منطق اقتصادی صرف به منطق صیانت از ثبات پولی و امنیت اقتصادی است؛ گذار وُجودی که در قوانین خاص نیز بازتاب یافته و نظم پولی را نه فقط یک نهاد مالی، بلکه بخشی از سازوکارهای کلان پایداری اقتصادی معرفی می‌کند. تحلیل مواد قانونی نشان می‌دهد که دو مؤلفه «قصد اخلال» و «مقیاس اثر اقتصادی رفتار» ستون‌های اصلی تمایز میان سطوح پاسخ کیفری‌اند. باین‌حال، ابهام در تعریف اخلال، فقدان معیارهای کمی برای سنجش آثار سیستمی و دشواری تفکیک رفتار سوداگرانه، پریسک و محلّ، موجب شده است که تفسیر و اجرای قوانین همواره با ناهماهنگی‌هایی همراه باشد. مطالعه‌ی رویه‌های اخیر—از جمله پرونده «بانک آینده» و نیز پرونده‌های مؤسسات مالی غیرمجاز مانند «ثامن الحجج» و «فرشتگان»—نشان می‌دهد که فقدان نظارت پیشگیرانه و تأخیر در اعمال ابزارهای انتظامی، می‌تواند دامنه

تخلفات را گسترش داده و مداخله کیفری را از سطح خفیف به مراحل بازدارنده و قضایی سوق دهد. این تجربه‌ها آشکار می‌سازد که کارآمدی حمایت کیفری بیش از شدت مجازات، به وجود شبکه‌ای هماهنگ از نظارت، پایش مستمر جریان‌های مالی و هم‌راستایی میان ابزارهای انتظامی و پاسخ‌های قضایی وابسته است. در چارچوب تحلیل جرم‌شناسی اقتصادی نیز می‌توان دریافت که تفاوت در شدت کیفر میان رفتارهای سنتی مرتبط با مسکوکات و اسکناس و رفتارهای پیچیده‌تر مالی، الزاماً برخاسته از ارزش‌گذاری کیفری متفاوت نیست؛ بلکه بیشتر ناشی از تفاوت در سازوکار وقوع این رفتارها، میزان ریسک‌پذیری، قابلیت نظارت و امکان کنترل و پیشگیری از آن‌هاست. بنابراین، شدت واکنش کیفری در سطوح مختلف را می‌توان نتیجه‌ای از تفاوت در قابلیت شناسایی، آثار بالقوه و گستره نفوذ رفتارها دانست و نه محصول ارزیابی‌های ارزشی یا سیاسی. این زاویه دید تحلیلی کمک می‌کند روشن شود که سیاست کیفری در حوزه پولی و بانکی، علاوه بر ملاحظات اقتصادی، به‌شدت به ویژگی‌های ساختاری بازار مالی و ماهیت متفاوت کشتگران آن وابسته است. بدین ترتیب، تصویر نهایی حاصل از این پژوهش آن است که حمایت کیفری از نظام پولی در ایران، هرچند از حیث تقنین چارچوب‌مند شده و ساختاری چندلایه یافته است، اما همچنان نیازمند تکمیل سازوکارهای نظارتی، تعریف عملیاتی و قابل سنجش برای مفهوم اخلال، و افزایش انسجام میان ابزارهای انتظامی و کیفری است تا واکنش‌های حقوقی در این حوزه هم پیش‌بینی‌پذیرتر شوند و هم کارآمدتر در صیانت از ثبات پولی و اعتماد عمومی عمل کنند.

پیشنهادهای پژوهش

۱. تدوین دستورالعمل مشترک بانک مرکزی- قوه قضاییه برای استانداردسازی مفاهیم مبهم مانند «اخلال» با هدف تعریف عملیاتی و مرحله‌بندی‌شده‌ی «اخلال در نظام پولی و ارزی»، تعیین شاخص‌های کمی برای سنجش «اثر سیستمی» رفتار (ازجمله حجم تراکنش، دامنه تأثیر بر نقدینگی، نسبت اثر بر بازار آزاد)، و ایجاد معیار واحد برای تفکیک رفتار پرریسک، رفتار سوداگرانه و رفتار مخل. این دستورالعمل می‌تواند مبنای وحدت رویه قضایی در رسیدگی به جرایم پولی و ارزی گردد و از تشتت کنونی در تشخیص «اخلال» جلوگیری کند.

۲. بازنگری هدفمند ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی -تعزیرات مصوب ۱۳۷۵.

با تمرکز بر تفکیک روشن «قصد اخلال» از «انگیزه سودجویی اقتصادی» و افزودن سنجه‌هایی برای تشخیص «نتیجه‌ی اخلال‌گر» در رفتار اقتصادی؛ به‌گونه‌ای که قلمرو جرم‌انگاری از رفتارهای صرفاً سودجویانه یا پرریسک جدا شود و معطوف به رفتارهایی گردد که آثار ساختاری و سیستمی بر بازار پول

دارند. این اصلاح می‌تواند به کاهش توسعه‌ی ناروا در قلمرو کیفری، افزایش پیش‌بینی‌پذیری و تقویت تناسب واکنش کیفری بینجامد.

۳. ایجاد سامانه پایش هوشمند رفتارهای پرخطر در بانک مرکزی

با بهره‌گیری از اختیارات نظارتی قانون بانک مرکزی مصوب ۱۴۰۲ و تکیه بر تحلیل داده، برای شناسایی زودهنگام الگوهای پرخطر (نوسان‌سازی مصنوعی، تجمع غیرعادی نقدینگی، جریان‌های مشکوک ارزی). این سامانه باید امکان مداخله انتظامی پیشگیرانه را پیش از ارجاع پرونده به مراجع کیفری فراهم کند تا چرخه‌ی واکنش کیفری تنها در موارد ضروری فعال شود.

۴. تدوین آیین‌نامه تلفیقی کیفری-انتظامی برای هم‌راستاسازی مسیرهای پاسخ

با هدف تلفیق ابزارهای انتظامی (تعلیق مجوز، محدودیت تراکنش، الزام به افشای اطلاعات) با مسیرهای رسیدگی کیفری، به گونه‌ای که سلسله‌مراتب پاسخ از خفیف به شدید روشن گردد و از ارجاع شتاب‌زده به سطح کیفری یا امنیتی جلوگیری شود. این آیین‌نامه باید نقش بانک مرکزی و دادستانی را در تعیین سطح مناسب پاسخ هماهنگ و یکپارچه سازد.

منابع

1. Ahmadzadeh, R., Mousavi-Mojab, S. M., & Saberi, M. (2023). *Judicial criminal policy of special permission in dealing with the crime of disruption in the country's economic system*. Criminal Law Research Journal, 14(2), 7–21. Tarbiat Modares University, Tehran. <https://doi.org/10.22124/jol.2023.23976.2371>
2. Asghari, M., Haghighat, A., Noonzhad, M., & Zare, H. (2019). *Exchange rate dynamics in Iran using dynamic stochastic general equilibrium (DSGE) models*. Economic Modeling Quarterly, 13(2), 171–192.
3. Askari, S., Shafiei Fini, H., & Shahidi, S. M. (2019). The effect of criminalization on the status of illegal currency transactions: A study based on Imam Khomeini's (RA) opinions. *Motin Research Journal*, 21(1), 21–47.
4. Baghjeri, M., Hosseinneshad, E., & Najjarzadeh, R. (2014). *The effect of monetary policy on exchange market pressure: A case study of Iran*. Quarterly Journal of Economic Research and Policies, 22(71), 53–78.
5. Bastanzad, H., & Davoudi, P. (2016). *Requirements for using forward instruments to reduce exchange market uncertainty with a real exchange rate approach*. Economic Research Quarterly, 16(63), 61–98.
6. Beigi, H., Beigi, J., & Ahadi, F. (2021). *Strategic mapping of banking crimes in monetary and banking policymaking*. Journal of Legal Research, 21(50), Spring 2021.
7. Eskandari-Pasyana, A. A., Hajipour, M., & Alavi-Hashtjin, S. M. T. (2024). *The nature of money and its legal functions in Iran's judicial and banking system*. Quarterly Journal of Judicial Legal Perspectives, 25(104), 1–22.
8. Eyvazlou, H. (2008). *Principles and foundations of the monetary system in Islamic economics*. Islamic Economics Journal, 8(29), 35–62.
9. Elsan, M., & Negintaji, Z. (2022). Legal and economic analysis of independence of the Central Bank of the Islamic Republic of Iran. *Encyclopedia of Economic Law Journal*, 29(21).
10. Ghadimi, M., Rabiei, M., Davaei, A., & Shah-Abadi, A. (2019). *The impact of corruption and central bank independence on money supply in Iran: Using the STAR model*. Economic Modeling Quarterly, 4(3), 111–140. Semnan University.
11. Gholami, H. (2013). The principle of minimal criminal law. *Criminal Law Quarterly*, 1(2), 41–65.
12. Ghorbani Zirdehi, P., Masoudi, A., Bagheri, M., & Ghorbanian, H. (2024). *The position of the Central Bank in monetary policymaking and a legal critique of the judiciary's role in it*. Journal of Legal Research, (69), Spring 2024. Islamic Azad University, North Tehran Branch.
13. Hosseini, S. H., Norouzi, M., & Laki, Z. (2025). The application of criminal description in determining criminal titles: A jurimetric analysis of Article 1(e) of the Economic Disruptors Punishment Act. *Journal of Criminal Law and*

- Criminology Studies*, —. <https://doi.org/10.22034/jelc.2024.441689.1973>.
14. Islamic Consultative Assembly Research Center. (2021). *An introduction to the country's foreign exchange strategy: Consequences of fixing the nominal exchange rate*. Tehran: Research Center of the Islamic Consultative Assembly.
 15. Jafari, F., & Biniiaz, M. S. (2022). *The scope of criminalization of currency crimes and their prevention factors in the Iranian legal system*. Journal of Legal Research, 21(50), 1–22.
 16. Jafari-Muslim, M., & Aghababai, A. (2021). *The major disruption in the country's economic system in the Islamic Penal Code: An analysis of the Law on Disruptors of the Economic System and Article 286 of the Islamic Penal Code*. Journal of Legal Research, 20(47), 5–26.
 17. Jouni, S. M. (2024). *Money and the economy: Revisiting theories and challenges of the monetary system in light of Islamic principles*. In *Proceedings of the First National Conference on Reforming the Structure of Governance and Economic Policy-Making System* (pp. 1–14). Think Tank for Governance Issues of the Country.
 18. Kameli, M. R., Daneshvar Sani, R., & Bagher Gerayeli, M. (2021). *The nature of the crime of disrupting the country's economic system*. Islamic Jurisprudence and Legal Foundations Studies, 15(43), 5–28. Islamic Azad University.
 19. Mir Mohammad sadeghi, H., & Soltani-Zanai, A. (2023). *The security-oriented approach of Iran's criminal policy toward economic crimes: Foundations and examples*. Journal of Economic and Commercial Law Research, 4, 1–31.
 20. Mirzaeinejad, G., Esmacili, A. A., & Miri, H. (2023). *Legal and ethical dimensions of monetary system disruptors' crimes in Iranian law*. Journal of Ethics in Science and Technology, 19(2).
 21. Mojahid, M. (2016). *Typology of currency crimes as crimes against the country's economic security*. Afaq-e Amniat (Security Horizons) Quarterly, 9(33), 1–28. Imam Hossein University.
 22. Motahhari Nejad, A., & Nasrollahi, Z. (2022). *Money and the rule of law in Iran*. Journal of Economic Modeling, 7(2), 95–123. <https://doi.org/10.22075/jem.2022.27726.1748>.
 23. Rafiei Shamsabadi, P., Haji, G., & Fakhrosseini, S. F. (2024). *Investigation and Evaluation of Monetary Policy Transmission Channels in the Economy of Iran*. Advances in Mathematical Finance & Applications, 9(1), 219–240. <https://doi.org/10.22034/AMFA.2022.1913615.1505>.
 24. Rahimi, A. (2025). *Rules governing the unstructured monetary financial market in the Iranian legal system*. Legal Civilization Journal, 8(24), 381–400.
 25. Rahmani fard, M. (2021). *Differential criminal policy in sanctioning the smuggling of goods and currency*. Araa Scientific Quarterly, 4(8), 63–86.
 26. Rostami Ghazani, O., & Hamidi, V. (2023). *A comparative study of counterfeiting banknotes in the criminal law of Afghanistan and Iran*. Quarterly Journal of Law and Politics Studies, 3(3), 137–167.

27. Shahabi, M., & Ahmadi Roozbehani, P. (2013). Interaction or conflict between the empirical concept of science and value-based norms. *Journal of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad*, Fall–Winter 2013, 171–196.
28. Shahparast, L. B. (2025). *A legal and criminological analysis of economic crimes in Iran with an emphasis on criminal policy against financial corruption*. Quarterly Journal of Political Science, Law and Jurisprudence Studies, 11(1), 1067–1086.
29. Shekouh, H. (2013). *Privatization of state enterprises and economic security: A framework for study*. Strategic Studies Quarterly, 16(2), 1–30.
30. Zamanzadeh, H. (2024). *Estimation of exchange rate pass-through in Iran's multi-rate exchange system*. Scientific-Research Journal of Economic Research and Policies, 32(110), 160–194.
31. Ziaei Nasab, M. R. (2024). Criminal protection of banknotes in Iranian law (Master's thesis). Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Iran.
32. Manzour, D., & Zadeh Yazdi, S. S. H. (2020). Regulation and financial system governance in Iran: A comparative assessment. *Monetary and Banking Research Journal*, 13(43), 149–188.

Legal Documents and Regulations:

1. *Monetary and Banking Law of the Country* (adopted July 9, 1972 [18/4/1351]), with amendments up to 2015.
2. *Islamic Penal Code of Iran* (adopted 2013 [1392]).
3. *Law on the Regulation of the Unorganized Monetary Market* (adopted January 11, 2005 [22/10/1383]).
4. *Central Bank of the Islamic Republic of Iran Act* (adopted June 19, 2023 [30/3/1402]).
5. *Law on Punishment of Disruptors of the Economic System of the Country* (adopted December 10, 1990 [19/9/1369]), with amendments up to March 15, 2021 [25/12/1399].
6. *Law on Combating the Smuggling of Goods and Currency* (adopted December 24, 2013 [3/10/1392]), with amendments up to October 31, 2022 [10/8/1401].
7. *Anti-Money Laundering Act* (adopted January 22, 2008 [2/11/1386]), with amendments up to January 5, 2019 [15/10/1397].
8. *Law on Combating the Financing of Terrorism* (adopted February 2, 2016 [13/11/1394]), with amendments up to July 22, 2018 [31/4/1397].